

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۵۳

۲۶ فروردین ۱۳۹۶ / ۱۵ آوریل ۲۰۱۷

حقوق ما

دادگاههای انقلاب



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: علی مهتدی

تحریریه: کامبیز غفوری - فیروزه رمضانزاده، احمدعلی شمس

عکس روی جلد: جهانگیر رزمی

صفحه بندی: ماهور خوشقدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

دادگاه انقلاب، دادگاهی که قرار بود موقتی باشد

گفت‌وگو با عبدالکریم لاهیجی؛

«دادگاه‌های انقلاب غیر قانونی هستند»

گفت‌وگو با علی امینی، حقوق‌دان؛

«برگزاری دادگاه‌های انقلاب دیگر موضوعیت ندارد»

گفت‌وگو با قاسم شعله‌سعدی؛

«قانون می‌تواند دادگاه انقلاب را منحل کند»

دادگاه‌های انقلاب؛ ضد موازین حقوق بشر



دادگاه انقلاب، دادگاهی که قرار بود موقتی باشد

موجب قانون جهت رسیدگی به امور کیفری به مرجع جزایی واگذار شده است و مرجع جزایی مطابق اصل قانون‌مندی حقوق کیفری تنها صلاحیت رسیدگی به جرائمی را دارد که قبلاً توسط قانون‌گذار بیان شده باشد. قوانین مربوط به صلاحیت کیفری از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی هستند و افراد ذی‌نفع نمی‌توانند از آن تخطی نموده یا خلاف آن توافق کنند. همچنین با توجه به آمره بودن قوانین صلاحیت کیفری، مرجع صالح برای رسیدگی به امور کیفری را قانون تعیین و معرفی می‌نماید. رسیدگی به صلاحیت از تکالیف دادگاه بوده و همین که خود را صالح ندانست، باید قرار عدم صلاحیت را صادر نمایند، اعم از



محمد اولیایی‌فرد

صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری است که به

این‌که به صلاحیت آن اعتراض شده یا نشده باشد.

براساس اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری، رسیدگی به جرایم ارتكابی در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شود اما این اصل نیز هم‌چون هر اصل حقوقی دیگر، استثنای پذیر است و گاه قوانین مرتبط با حقوق جزای شکلی، برخی از دادگاه‌های اختصاصی را نیز پیش‌بینی کرده‌اند که تنها رسیدگی به برخی جرایم خاص را بر عهده دارند و این جرایم خاص توسط قانون مورد پیش‌بینی و احصا قرار گرفته‌اند. مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی ایران «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است» رسیدگی به جرایم ارتكابی در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شود و تنها دادگاه‌های اختصاصی طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی محاکم نظامی هستند. «اصل یکصد و هفتاد و دوم: برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند». با این حال بر اساس قوانین عادی و نه قانون اساسی، دادگاه‌های انقلاب نیز در زمره دادگاه‌های اختصاصی مورد پیش‌بینی و رسیدگی به جرایم مهمی از جمله رسیدگی به جرایم اقدام علیه امنیت کشور در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است. با این وجود صلاحیت این دادگاه‌ها با توجه به عدم ذکر جایگاه قانونی آن در قانون اساسی، همواره محل چالش و مشروعیت احکام قضایی آن قابل تامل بوده است.

اول: پیشینه تاریخی دادگاه انقلاب

۱- تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب طی ۱۷ ماده در ۱۳ تیرماه ۱۳۵۸ را می‌توان اولین گام برای تشکیل دادگاه‌های انقلاب قلمداد کرد. ماده اول این قانون، هدف از تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب را استقرار حاکمیت ملی و نگهداری از دستاوردهای انقلاب دانسته است. این دادگاه با سه قاضی در مراکز استان‌ها و عنداللزوم در شهرستان‌های تابع تشکیل می‌شد. ماده ۴ قانون مذکور، صلاحیت دادگاه فوق‌العاده را چنین پیش‌بینی کرده بود: «دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب به موارد زیر رسیدگی می‌نماید: الف - کلیه جرایم پیش‌بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی و تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون. ب - جرایم اختلاس و تصرف غیر قانونی و ارتشاء و کلاهبرداری

در اموال دولتی و تدلیس. ج - راهزنی در راه‌ها و شوارع و سرقت مسلحانه و جرایم مذکور در قوانین تشدید مجازات سارقین مسلح مصوب تیر ماه ۱۳۳۳ و دی ماه ۱۳۳۸. د - جرایم کسانی که مبادرت به وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری بدون اجازه دولت می‌نمایند. ه - جرایم مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرایم مذکور مصوب سی و یکم خرداد ۱۳۴۸ جز قسمت دوم بند ه همان قانون. و - اعمال کسانی که بر طبق قوانین موضوعه مبادرت به جاسوسی به سود بیگانه نموده و اسرار نظامی را به دشمن تسلیم نمایند. ز - کلیه جرایم مذکور در قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۸ و قانون اراضی دولت و شهرداری‌ها و اوقاف و بانک‌ها و اراضی موات مصوب ۱۳۳۹ ح - جرایم مندرج در لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی مصوب نهم بهمن ماه ۱۳۵۱

این لایحه اگر چه بیشتر به نحوه دادرسی دادگاه‌های فوق‌العاده پرداخته بود؛ اما مواد ۵ تا ۱۰ آن مقررات ماهوی برخی از جرایم موضوع اقدام علیه امنیت کشور، حاکمیت ملی و دستاوردهای انقلاب و مجازات‌های آنها را نیز بیان می‌کرد. تشریفات دادرسی‌های عادی در این دادگاه‌ها وجود نداشت و رعایت اصول و مقررات عمومی که متضمن حق دفاع و اجرای عدالت باشد، کافی به نظر می‌رسید (ماده ۱۳). حق گرفتن وکیل به متهم داده شده (ماده ۱۲) و احکام این دادگاه‌ها جز در مورد حبس ابد و اعدام، قطعی تلقی می‌شد و در موارد اعتراض نیز حق صدور رأی به دیوان عالی کشور داده شده بود (ماده ۱۴) و سرانجام ماده ۱۶ این قانون مقرر می‌داشت: «هر موقع که هیأت دولت جمهوری اسلامی، کار دادگاه‌های فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب را لازم تشخیص ندهد، به موجب تصویب‌نامه آنها را منحل خواهد کرد. در صوت انحلال دادگاه‌های مزبور در مراجع صالح قضایی به پرونده‌هایی که منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشند، مطابق مقررات عمومی رسیدگی خواهند کرد».

۲- آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب مصوب ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ متعاقب لایحه قانونی قبلی به تصویب رسید و نام دادگاه را از «دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب» به «دادگاه انقلاب» تغییر داد و صلاحیت دادگاه مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه برای رسیدگی به جرایم علیه انقلاب و جرایمی که قبل از پیروزی انقلاب به منظور تحکیم رژیم پهلوی و نفوذ بیگانگان صورت گرفته بود، تعیین شد.

بیشتر مواد این آیین‌نامه به دادرسی دادگاه‌های انقلاب پرداخته

جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض، ۲- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری، ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام، ۴- جاسوسی به نفع اجانب. ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر، ۶- عداوتی مربوط به اصل (۴۹) قانون اساسی».

و نهاد دادرسی در معیت دادگاه انقلاب پیش‌بینی شد. ماده ۲ آیین‌نامه، صلاحیت دادگاه انقلاب را چنین مقرر داشت: «رسیدگی به جرایم زیر در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی است: ۱- قتل و کشتار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت. ۲- حبس و شکنجه مردم مبارز به آمریت و مباشرت. ۳- جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال و یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان. ۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی به نفع اجانب. ۵- سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر».

طبق این آیین‌نامه، هر متهم حق تعیین یک وکیل ایرانی را خواهد داشت (ماده ۷) و دادگاه به صورت علنی برگزار می‌شود مگر آن که رییس دادگاه سری بودن آن را ضروری تشخیص دهد. (ماده ۹) احکام دادگاه انقلاب قطعی و بدون تجدید نظر است. (ماده ۱۱) و مجازات‌ها طبق حدود شرع اسلام و شامل اعدام، حبس، تبعید و ضبط اموالی که از راه غیر مشروع به دست آورده پس از تسویه دیون خواهد بود. (ماده ۱۲)

ماده ۳ این آیین‌نامه نیز موقتی بودن دادگاه انقلاب را بدین شرح بیان کرده بود: «دادگاه و دادرسی انقلاب اسلامی به دستور امام تشکیل شده و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود و در این صورت دادگستری، کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد. تبصره - تشخیص ضرورت و عدم ضرورت با رهبر انقلاب، امام خمینی است».

۳- قانون‌گذار با تصویب «قانون حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های انقلاب» در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ طی ماده واحده‌ای، دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب را به دادگستری ملحق کرده و به موجب ماده واحده صلاحیت آن را چنین برشمرد: «کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض، سوء قصد به مقامات سیاسی، کلیه جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق، قتل و کشتار و حبس و شکنجه به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت؛ غارت بیت المال؛ گران‌فروشی و احتکار ارزاق عمومی».

۴- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۵ تیرماه ۱۳۷۳ هم‌چون قانونی قبلی (قانون حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های انقلاب مصوب اردیبهشت ۱۳۶۲) دادگاه انقلاب را یک دادگاه دایمی تلقی کرده بود. ماده ۵ این قانون مقرر می‌داشت «به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید: ۱- کلیه

(قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۷۳ و قانون حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های انقلاب مصوب اردیبهشت ۱۳۶۲) دادگاه انقلاب را یک دادگاه دایمی تلقی کرده است. در ماده ۲۹۴ این قانون آمده «دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود».



هم‌چنین در ماده ۳۰۳ همین قانون در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب مقرر شد است «به جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود: الف - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تباری و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام. ب - توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری. پ - تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل. ت - سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است».

دوم: اختصاصی بودن دادگاه انقلاب در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

برخی از حقوق‌دانان با توجه به نحوه نگارش ماده ۲۹۴ قانون

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و هم‌چنین با استناد به ماده ۴۲۸ این قانون که امکان فرجام‌خواهی از احکام این دادگاه در دیوان‌عالی کشور را پیش‌بینی کرد است، معتقدند که دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی نیست و با پیوستن دادگاه‌های انقلاب به تشکیلات قوه قضاییه (برخلاف دادگاه ویژه روحانیت که جزو دستگاه قضایی محسوب نمی‌شود و تحت نظارت مقام رهبری است) و امکان فرجام‌خواهی از احکام این دادگاه در دیوان‌عالی کشور به استناد ماده ۴۲۸ دیگر نباید آنها را در شمار دادگاه‌های اختصاصی آورد و در حال حاضر با توجه به ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه انقلاب شاخه‌ای از دادگاه‌های کیفری است که به پاره‌ای از جرایم رسیدگی می‌کند. این رای چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تفاوت دادگاه اختصاصی با دادگاه تخصصی، آن‌ست که دادگاه تخصصی در حقیقت یکی از شعب دادگاه عمومی است که به نوع خاصی از جرایم یا دعاوی رسیدگی می‌کند. همان‌گونه که ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ چنین دادگاه‌هایی را پیش‌بینی کرده بود «به رییس قوه قضاییه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضایی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات، هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد».

دادگاه‌های اختصاصی کیفری بر خلاف دادگاه‌های تخصصی، در مقابل دادگاه عمومی قرار دارند و صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند مگر این‌که قانون، صلاحیت رسیدگی را به صورت صریح و منصوص به آن‌ها تفویض کرده باشد. در حالی که دادگاه عمومی، صلاحیت رسیدگی به هر جرمی را دارد مگر این‌که بر اساس نص قانون، رسیدگی به جرمی از صلاحیت آن خارج شده باشد. بنابراین دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است؛ زیرا به موجب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم خاصی را دارد و در هیچ صورتی نمی‌تواند به جرایم دیگر رسیدگی کند.

با این حال باید توجه داشت صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به برخی از جرایم موضوع ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با فلسفه وجودی این دادگاه سازگاری ندارد؛ زیرا آنچه که از نام این دادگاه (دادگاه انقلاب) و فلسفه وجودی آن فهمیده می‌شود، آن است که صلاحیت دادگاه مذکور باید منحصر به جرایم علیه انقلاب اسلامی باشد و بعضی از مصادیق پیش‌بینی شده نیز از همین خصوصیت برخوردار است، مانند جرایم علیه امنیت کشور، توطئه علیه جمهوری اسلامی، جاسوسی و ... اما برخی از جرایم نیز به دلیل اهمیتی که دارند در صلاحیت این دادگاه قرار گرفته است، مانند توهین به مقام

با این قانون مخالف باشد، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است». این ماده واحده از نظر موقتی بودن دادگاه با دو مصوبه قبلی تعارضی ندارد؛ زیرا در آن تصریح یا اشاره‌ای به این مطلب نشده است. هم‌چنین ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام رهبری و محاربه؛ زیرا این جرایم ارتباط مستقیم با انقلاب و امنیت آن ندارند. حتی مواردی هم که مربوط به امنیت کشور می‌شود، با جرایم علیه امنیت انقلاب تفاوت دارد؛ زیرا امنیت انقلاب و امنیت کشور دو مقوله جداگانه هستند.

همچنین بسیاری از جرایم دیگر نیز مانند جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر و جرایم نظیر اینها، خصیصه عمومی دارند که اصولاً باید هم‌چون جرایم دیگر در دادگاه‌های عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین گسترش صلاحیت دادگاه انقلاب به رسیدگی به جرایمی که ارتباطی با فلسفه وجودی این دادگاه ندارد محل اشکال است؛ زیرا صلاحیت دادگاه انقلاب، استثنایی بر صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی است و این استثنا باید محدود باشد.

سوم: موقتی بودن دادگاه انقلاب

هدف از تشکیل دادگاه انقلاب کمک به استقرار نظام و مبارزه با موانعی بوده که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرده است و حتی در مصوبه اولیه شورای انقلاب نام «دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب» بر آن نهاده شده بود. ماده ۱۶ لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۵۸ و ماده ۳ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب خرداد ۱۳۵۸ به صراحت دادگاه انقلاب را موقتی دانسته بود. ماده ۱۶ لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۵۸ مقرر داشت: «هر موقع که هیات دولت جمهوری اسلامی، کار دادگاه‌های فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب را لازم تشخیص ندهد، به موجب تصویب‌نامه آن‌ها را منحل خواهد کرد. در صوت انحلال دادگاه‌های مزبور در مراجع صالح قضایی به پرونده‌هایی که منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشند، مطابق مقررات عمومی رسیدگی خواهند کرد». در ماده ۳ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب خرداد ۱۳۵۸ نیز آمده بود «دادگاه و دادرای انقلاب اسلامی به دستور امام تشکیل شده و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود و در این صورت دادگستری، کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد. تبصره – تشخیص ضرورت و عدم ضرورت با رهبر انقلاب، امام خمینی است».

موقتی بودن دادگاه‌های انقلاب تا سال ۱۳۶۲ ابهامی نداشت اما در این سال قانون‌گذار با تصویب «قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب» اشاره به دایمی یا موقتی بودن دادگاه انقلاب نکرد؛ بلکه دادگاه انقلاب، جزئی از دادگستری به حساب آمد و شورای عالی قضایی عهده‌دار اداره آن شد. تبصره ماده واحده مذکور مقرر داشت: «کلیه قوانین و مقرراتی که



رد می‌کند و در حال حاضر نیز که انقلاب اسلامی از روزها و سال‌های اول خود فاصله گرفته و از خطر تهدیدهای داخلی و خارجی در امان مانده است، به نظر می‌رسد که نیازی به تداوم دادگاه‌های انقلابی نیست.

چهارم: غیر رسمی بودن دادگاه انقلاب

اصل ۱۵۹ قانون اساسی مقرر داشته است: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است». برخی عقیده دارند واژه «دادگاه‌ها» در این اصل به صورت مطلق به کار رفته و شامل دادگاه‌های عمومی و اختصاصی می‌شود بنابراین از ظاهر اصل ۱۵۹ چنین بر می‌آید که قانون عادی می‌تواند دادگاه‌های اختصاصی را هم تشکیل دهد؛ اما این برداشت از قانون بدون اشکال نیست و قرینه‌هایی وجود دارد که کلمه «دادگاه‌ها» را منصرف به دادگاه‌های عمومی می‌کند، زیرا اولاً: در صدر اصل ۱۵۹ واژه «دادگستری» بیان شده است، بنابراین کلمه «دادگاه‌ها» که به دنبال آن آمده منصرف به دادگاه‌های دادگستری است. ثانیاً:

دادگاه‌های اختصاصی دیگر یعنی دادگاه نظامی و دیوان عدالت اداری به صراحت در قانون اساسی پیش بینی شده است در حالی که اگر قانون عادی، حق تشکیل دادگاه‌های اختصاصی را داشت، نیازی به ذکر دادگاه نظامی و دیوان عدالت اداری در قانون اساسی نبود.

ثالثاً: مشروح مذاکرات خبرگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به خوبی موقتی بودن دادگاه‌های انقلاب را بیان می‌کند؛ زیرا پس از بحث زیاد پیرامون این مطالب که دادگاه‌های انقلاب نیز باید در قانون اساسی تصریح شود یا خیر و نیز اصل ۱۵۹ شامل دادگاه‌های انقلاب نیز می‌شود یا نه، نایب رییس مجلس خبرگان برای ختم بحث اعلام کرد که «بگذارید این اصولی که همیشگی است مستقل بماند و آن اصل که موقت است جداگانه می‌گذاریم که مادام که نیازی به دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب هست اینها به قوت خودش باقی است ...» رابعاً: اصل ۱۲۸ پیش‌نویس قانون اساسی مقرر داشت: «تشکیل محاکم اختصاصی جز در موارد مصرح در این قانون ممنوع است، ولی ممکن است برخی از شعب محاکم عمومی به نوع خاصی از دعاوی رسیدگی کنند». این اصل پیشنهادی و نیز مذاکراتی که در مجلس نهایی انجام شده است، به خوبی نشان می‌دهد که افکار عمومی و دیدگاه خبرگان ملت تا چه حد نسبت به دادگاه‌های اختصاصی حساس بوده‌اند.

نتیجه اینکه، با توجه به عدم ذکر جایگاه قانونی دادگاه انقلاب در قانون اساسی، تنها دادگاه‌های اختصاصی کیفری طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی محاکم نظامی هستند و از آن‌جا که کلمه «دادگاه‌ها» در اصل ۱۵۹ قانون اساسی، قابلیت اطلاق به دادگاه‌های اختصاصی را ندارد و از اصل ۱۵۹ چنین بر نمی‌آید که قانون عادی می‌تواند دادگاه‌های اختصاصی را هم تشکیل دهد، بنابراین تشکیل دادگاه انقلاب به پیش‌بینی قوانین عادی امر موجهی نبوده و مشروعیت دادگاه انقلاب تنها نیازمند پیش‌بینی آن در قانون اساسی است؛ موضوعی که تاکنون محقق نشده است.

منابع:

- ۱- آخوندی. محمود، آیین دادرسی کیفری،
- ۲- کاتوزیان. ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران،
- ۳- علی‌آبادی. عبدالحسین، موازین قضایی،
- ۴- ظاهری تهرانی. مسعود، صلاحیت دادگاه انقلاب،
- ۵- زراعت. عباس، مشروعیت دادگاه انقلاب، مجله دادرسی

گفت‌وگو با عبدالکریم لاهیجی؛

«دادگاه‌های انقلاب غیر قانونی هستند»



فیروزه رمضان‌زاده

دادگاه‌های انقلاب اسلامی به عنوان یکی از دادگاه‌های بدنه دادگستری جمهوری اسلامی نزدیک به چهار دهه با اعمال انواع محدودیت‌ها در رابطه با دسترسی پرونده و متهم، تحت تاثیر نهادهای امنیتی و با انگیزه‌های سیاسی، احکام غیرمنصفانه و فراقانونی بسیاری برای مخالفان سیاسی، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه‌نگاران و فعالان دانشجویی صادر کرده است.

برای بررسی جایگاه قانونی دادگاه‌های انقلاب اسلامی به سراغ دکتر عبدالکریم لاهیجی، حقوق‌دان و رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر رفتیم که خود به عنوان یکی از شاهدان عینی در دادگاه انقلاب و در جایگاه وکیل دادگستری، وکالت یکی از متهمان سیاسی را برعهده داشته است.

دکتر لاهیجی در گفت‌وگو با «حقوق ما»، فلسفه وجودی دادگاه‌های انقلاب را «سرکوب» می‌داند و می‌گوید: «در قانون اساسی نهادی به اسم «دادگاه انقلاب» پیش‌بینی نشد و طی سی و پنج سال گذشته، با توجه به این که جمهوری اسلامی از دادگاه‌های انقلاب به عنوان یک اهرم سرکوب و فشار استفاده کرده و می‌کند، این دادگاه‌ها به کار خود به صورت غیرقانونی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند».

جایگاه دادگاه‌های انقلاب در قانون اساسی چیست؟ آیا این دادگاه‌ها در ابتدا مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی تشکیل شدند؟



همان طور که می‌دانید قانون اساسی جمهوری اسلامی دقیقاً ۱۰ ماه پس از پیروزی انقلاب به تصویب رسید و دادگاه انقلاب که متأسفانه یک هفته پس از ۲۲ بهمن ماه تشکیل شد، در شرایطی آغاز به کار کرد که نه قانون اساسی وجود داشت و نه اصولاً هیچ گونه مقرراتی برای تشکیل این دادگاه‌ها و چگونگی محاکمه و نحوه صدور احکام پیش‌بینی شده بود. این دادگاه‌ها، دادگاه‌هایی بودند که به دستور شخص آیت‌الله

چند دقیقه‌ای یا چند ساعتی تشکیل دادند و بعد هم بلافاصله بدون توجه به حق تجدیدنظر و اعتراض به احکام صادر شده، اشخاص را اعدام می‌کردند. این وضعیت ادامه داشت تا وقتی قانون اساسی به تصویب رسید. اصلاً در قانون اساسی نهادی به اسم «دادگاه انقلاب» پیش‌بینی نشد و طی سی و پنج سال گذشته، با توجه به این که جمهوری اسلامی از دادگاه‌های انقلاب به عنوان یک اهرم سرکوب و فشار استفاده کرده و می‌کند، این دادگاه‌ها به کار خود به صورت غیرقانونی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند.

شما اولین وکیلی بودید که در آن سال‌ها در دادگاه انقلاب در جایگاه وکیل حاضر شده بودید؟

بله، اولین کسی که در دادگاه انقلاب قبول وکالت کرد من بودم. در پرونده یک زندانی سیاسی به نام محمدرضا سعادت‌ی که چندماه پس از انقلاب دستگیر شد و او هم نزدیک به یک سال و نیم در زندان بود و به ده سال زندان محکوم شد. بعدها در سال شصت با توجه به شرایط سرکوب در آن زمان که متأسفانه روز به روز شدت پیدا کرد - و حتی خود من هم تحت تعقیب بودم - با وجود این که آن فرد بیش از دو سال و نیم در زندان بود، او را دوباره در زندان اوین زیر فشار اسدالله لاجوردی، دادستان انقلاب محاکمه و محکوم به اعدام کردند. بنابراین در سال‌های نخست، محاکمه‌ای به آن شکل نبود تا برای بررسی و مطالعه پرونده به وکیل فرصتی داده شود. اساساً فلسفه وجودی دادگاه‌های انقلاب سرکوب است و نه رسیدگی و محاکمه عادلانه.

آیا در شرایط کنونی ایجاد تعدیل در صدور احکام دادگاه‌های انقلاب یا اساساً انحلال این نهاد امنیتی - اطلاعاتی بدنه جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است؟

به نظر نمی‌رسد. در دولت موقت مهندس بازرگان آیین‌نامه‌ای برای این دادگاه‌ها تنظیم کردند که حداقل برای متهمان حق دفاع وجود داشته باشد. امکان حضور وکیل برای دفاع از متهمان ایجاد شود و احکام صادر شده در این دادگاه‌ها قابل تجدیدنظر باشد؛ ولی هرگز این آیین‌نامه به مرحله اجرا در نیامد و هر زمان که راجع به صلاحیت و چگونگی فعالیت این دادگاه‌ها نه تنها اعتراض، بلکه سوالی هم می‌شد؛ اولین کسی که به این اعتراض‌ها با نهایت شدت و حدت جواب می‌داد شخص آیت‌الله خمینی بود و بارها و بارها بین بازرگان، دولت موقت و خمینی راجع به این موضوع نه فقط اختلاف‌نظر و عقیده، بلکه به صورت علنی، این مسایل مطرح می‌شدند.

گفت‌وگو با علی امینی، حقوق‌دان؛

«برگزاری دادگاه‌های انقلاب دیگر موضوعیت ندارد»



تحریریه «حقوق ما»: دادگاه‌های سرپایی که گفته می‌شد به خاطر شرایط و مقتضیات انقلاب برگزار شدند، هم‌چنان پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی به شکل غیرعلنی، پشت درهای بسته و بدون رعایت حقوق اولیه متهمان برپا می‌شوند.

وقتی که دیگر از آن فضای ملتهب سیاسی و پرآشوب و شرایط انقلابی خبری نیست؛ چرا حکومت ایران هم‌چنان بر ضرورت ادامه فعالیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی در شرایط کنونی جامعه تاکید می‌کند؟ آیا ادامه فعالیت این دادگاه‌ها نشان‌دهنده تناقض با نظام مستقر در جامعه ایران نیست؟ این پرسش‌ها را با علی امینی، حقوق‌دان و سردفتر اسناد رسمی ۲۷ قم مطرح کردیم.

امینی با تفکیک بین فعالیت‌های دادگاه‌های انقلاب در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی و زمان حاضر معتقد است: «در ابتدای انقلاب نظم قانون به نحوی معلق بود و از سوی دیگر طبیعت انقلاب این بود که دادگاه‌های انقلابی تشکیل بدهند و براساس همان ایدیولوژی، محاسبات خود را پیش برده و محاکمات خود را انجام دهند. در آن دادگاه‌ها از کسانی که محاکمه می‌شدند تنها پرسیده می‌شد که آیا با مردم و در برابر نظام آینده ضدیت داشته‌اند یا نه؟ در نظر افرادی که آن دادگاه‌ها را تشکیل دادند، خیلی هم نیاز نبود که از نظر حقوقی همه موارد رعایت شوند، زیرا قوانین در آن برهه زمانی انقلاب معلق بودند، مثل مواردی نظیر حق داشتن وکیل و دادرسی عادلانه مورد قبول که هیچ کدام اجرا نمی‌شدند».

به گواهی صادق خلخالی، رییس دادگاه انقلاب اسلامی که در جایی گفته بود «در دادگاه‌های انقلاب جایی برای وکیل نیست» این دادگاه‌ها بدون حضور وکیل و هیچ گونه آیین دادرسی خاص و مدارک روشن و شواهد معتبر و تنها بر مبنای تشخیص حاکم شرع و تفسیر او از شریعت اسلام، هزاران تن از مخالفان و دگرانیشان سیاسی، خودسرانه و شتاب‌زده به جوخه‌های مرگ سپرده شدند.

حقوق‌دان ساکن ایران در ادامه گفت‌وگو با «حقوق ما» به استقرار نظام و تصویب قوانین کشور پس از تشکیل دادگاه‌های انقلاب اشاره کرده و گفت: «برپایی دادگاه‌های

بنابراین همان طور که گفتیم این دادگاه‌ها با دستور رهبر جمهوری اسلامی شروع به کار کردند.

در حال حاضر هم، هم‌چنان زیر نظر و تایید مسلم رهبر جمهوری اسلامی به کار خود ادامه می‌دهند. بنابراین اوست که می‌تواند به عمر این دادگاه‌های غیرقانونی پایان بدهد؛ ولی من فکر نمی‌کنم، چرا که تمام پرونده‌های سیاسی متأسفانه به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شوند و تمام کسانی که باید به محکومیت‌های سنگین محکوم شوند توسط این دادگاه‌ها محکوم می‌شوند، دادگاه‌هایی که زیرنظر نهادهای سرکوبگر مثل سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و به طور غیرمستقیم بیت رهبری به کار خود ادامه می‌دهند.

نقش وکلای دادگستری در این دادگاه‌ها برای دفاع از متهمان سیاسی را تا چه اندازه موثر می‌دانید؟

در دهه دوم یعنی پس از پایان جنگ ایران و عراق و در دوره دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی یک مقدار شرایط سیاسی تغییر کرد و کم و کم وکلایی بودند که در دادگاه‌های انقلاب قبول وکالت کردند و با خطراتی که وجود داشت به دفاع کردن پرداختند. مثلاً در پرونده معروف به قتل‌های زنجیره‌ای، در محاکمه متهمان به قتل پروانه و داریوش فروهر و دیگر قربانیان این جنایت، عده‌ای از وکلای دادگستری مثل آقای ناصر زرافشان و خانم شیرین عبادی بودند که دفاع کردند و خود آنها هم بعدها به زندان افتادند.

در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی که یک مقدار شرایط سیاسی - اجتماعی تغییر کرد و تا حدودی روزنامه‌ها و رسانه‌های آزاد منتشر شدند و از این حیث هم کانون مدافعان حقوق بشر تاسیس شد، همکاران ما با وجود خطرات موجود، در دادگاه‌های انقلاب از متهمان سیاسی دفاع کردند.

کم و کلاهی نبودند که در دهه دوم و سوم انقلاب در دادگاه‌های انقلاب از متهمان سیاسی دفاع کردند؛ اما این روند هم متأسفانه دیری نپایید و کم کم این وکلا هم مورد غضب قرار گرفتند و خود قربانی دادگاه‌های انقلاب شدند، مثل آقای عبدالفتاح سلطانی، خانم نسرين ستوده، محمد سیف‌زاده، محمدعلی دادخواه و دیگران.

می‌بینیم که هنوز هم آقای عبدالفتاح سلطانی نزدیک به پنج سال است که در زندان به سر می‌برد و شاید تنها او نباشد و وکلای دادگستری دیگری هم به زندان محکوم شده باشند. بنابراین شرایط به گونه‌ای است که وکلایی که در دادگاه‌های انقلاب از متهمان دفاع می‌کنند، ممکن است مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و به زندان محکوم شوند.



انقلاب در قوانین ما اساساً پیش‌بینی نشده بود. در قانون اساسی فقط تشکیل دادگاه‌های عمومی پیش‌بینی شده بودند؛ اما دادگاه‌های انقلاب در آن زمان براساس یک ضرورت و مصلحت در قبال برخی از جرایم تشکیل شدند».

امینی در ادامه توضیح می‌دهد که وقتی از جرایمی نظیر قاچاق، ارتشاء، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر یاد می‌کنیم این جرایم ارتباطی با نظام انقلابی ندارند. یک سری جرایم عمومی هستند که مشابه ارتکاب این جرایم در هر جامعه‌ای

اتفاق می‌افتد. بنابراین به صلاح است که در مورد این جرایم، موازین قضایی بر اساس چهارچوب و کلیات حقوقی بررسی شوند، لذا ادامه فعالیت این دادگاه‌ها پس از انقلاب و به عنوان دادگاه انقلابی بلاموضوع است.

بسیاری از چهره‌های سیاسی از جمله احمد صدرحاج سید جوادی وزیر دادگستری دولت موقت، مهدی بازرگان اولین نخست‌وزیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور ایران، در آن زمان به دلیل صدور حکم اعدام برای محکومان بدون داشتن حق وکیل، لایحه دفاع و فرجام‌خواهی؛ با ادامه فعالیت دادگاه‌های انقلاب مخالفت کردند، ولی با تایید آیت‌الله خمینی فعالیت این دادگاه‌ها در کشور ادامه پیدا کرد.

حقوق‌دان ساکن شهر قم در این زمینه معتقد است که در ابتدای انقلاب، جزو ضرورت‌های انقلاب بود که چنین مسایلی بر جامعه تحمیل شوند؛ ضرورت‌هایی که توسط نیروهای انقلابی تازه وارد به صحنه سیاست ایجاد شدند. در این دادگاه‌ها چند سوال پرسیده می‌شد مثل تو با انقلابی یا ضد انقلابی؟ آیا قبلاً در برابر انقلاب و ایدئولوژی این انقلاب، آرمان‌ها و خواسته‌های انقلابی مردم مخالفت کرده بودی یا نه؟ این نبوده که آنها مامور و معذور باشند.

علی‌امینی تاکید می‌کند: «در ابتدای انقلاب هم اگر ضرورتی بود این ضرورت‌ها بر اساس موازین حقوقی شناخته نشده نبود؛ اما بعد از انقلاب آن جرایمی که در حال حاضر رسیدگی

می‌کنند در زمره جرایم عمومی به شمار می‌روند و بسیار لازم است که این مسایل به خوبی احاله شوند و به طور کلی یک سیستم قضایی واحد در کشور وجود داشته باشد».

وی با تاکید بر این که در حال حاضر شرایط انقلابی نیست، برگزاری این دادگاه‌ها را «بلاموضوع» خوانده و افزود: «اگر اسم این دادگاه را با مسامحه «دادگاه انقلابی» بگذاریم، برای بررسی جرایمی نظیر نشر اکاذیب که در قانون جزا به آنها اشاره شده، دیگر موضوعیت ندارد».

بسیاری از فعالان مدنی و حقوق‌دانان منتقد سیاست‌های جمهوری اسلامی، فعالیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی را در شرایط کنونی به دلیل محرومیت متهمان از حق دادرسی منصفانه و صدور احکام طولانی مدت زندان امری غیرقانونی و ناقض حقوق بشر عنوان می‌کنند.

اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر داشته: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند». قضات دادگاه‌های انقلاب در شرایطی ناعادلانه و اغلب با سوء استفاده از اختیارات قانونی خود در این دادگاه‌ها برای پرونده روزنامه‌نگاران، حقوق‌دانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی احکامی سنگین، فرمایشی و فراقانونی صادر می‌کنند.



گفت‌وگو با قاسم شعله‌سعدی؛

«قانون می‌تواند دادگاه انقلاب را منحل کند»



تحریریه «حقوق ما»: احکام شتاب‌زده و چند دقیقه‌ای دادگاه‌های انقلاب پس از گذشت نزدیک به چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی هم‌چنان در خاطر اذهان عمومی باقی مانده است، دادگاه‌هایی که به تعبیر برگزارکنندگان‌شان، برای حذف «جنایتکاران رژیم منفور پهلوی»، «مفسدین فی الارض» و «خائنین به ملت» برپا شدند؛ اما بدون آرایه کیفرخواست، بی هیچ وکیل مدافع و امکان تجدیدنظر در رای قاضی برای متهمان.

فردای پیروزی انقلاب اسلامی، روزنامه کیهان در روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ از تشکیل «دادگاه انقلابی خلق» خبر داد. تنها پس از چند هفته، آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب اسلامی در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۵۷ تصویب و جهت اجرا اعلام شد.

به دستور صادق خلخالی که به حکم آیت‌الله خمینی، حاکم شرع و نخستین رئیس دادگاه انقلاب شده بود، ده‌ها تن از سران و مقام‌های حکومت پهلوی از امیرعباس هویدا نخست وزیر و فرخ‌رو پارسا وزیر آموزش و پرورش و اولین وزیر زن ایران گرفته تا حبیب‌الله القانیان ملاک و صنعتگر یهودی معروف در این دادگاه‌ها محاکمه و در مدرسه رفاه و زندان قصر اعدام شدند.

بنا بر آمار سازمان عفو بین‌الملل در یک سال نخست پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از ۴۳۸ اعدام انقلابی در ایران رخ داد که بیشتر از سران حکومت پهلوی بودند.

«اعدام‌های انقلابی» دادگاه‌های انقلاب قرار بود به‌طور موقت اجرا شوند؛ اما فعالیت این دادگاه‌ها در دهه شصت با صدور احکام اعدام‌های دسته‌جمعی و حذف فیزیکی دگراندیشان و مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی ادامه داشت تا زمان حاضر که به شکل غیرعلنی، بدون حضور هیات منصفه و در شرایط امنیتی هم‌چنان به کار خود ادامه می‌دهند.

بر اساس ماده سوم آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب ۲۷ خردادماه ۱۳۵۸ «دادگاه و دادرای انقلاب اسلامی به دستور امام، تشکیل شده و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام، منحل می‌شود و در این صورت دادگستری، کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد».

باتوجه به این آیین‌نامه، چرا این دادگاه‌ها منحل نشدند و هم‌چنان به کار خود ادامه می‌دهند؟ این پرسش را با قاسم شعله‌سعدی، وکیل دعاوی ساکن تهران و نماینده ادوار دوم

و سوم شیراز در مجلس شورای اسلامی در میان گذاشتیم. این زندانی سابق سیاسی معتقد است: «بعدها که مجلس تشکیل شد، قانونی تصویب کرد که صلاحیت دادگاه انقلاب



را در شش مورد تعیین کرد. در حقیقت، پس از آن بود که دادگاه انقلاب، محمل قانونی به خود گرفت، حالا قانون می‌تواند دوباره آن را منحل کند».

با تصویب قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ ازسوی مجلس شورای اسلامی، دادسراها و دادگاه‌های انقلاب به عنوان بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی شناخته شد و صلاحیت آن تا حدودی مشخص شد. تا این که در ۱۵ تیرماه ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مجلس شورای اسلامی، صلاحیت این دادگاه بار دیگر در شش ماده تثبت شد.

براساس ماده پنجم قانون یادشده، رسیدگی به شش موضوع با عنوان «جرایم» در صلاحیت دادگاه انقلاب اعلام شد: «کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی‌الارض، توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام، جاسوسی به نفع اجانب، کلیه جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر، دعاوی مربوط به اصل (۴۹) قانون اساسی».

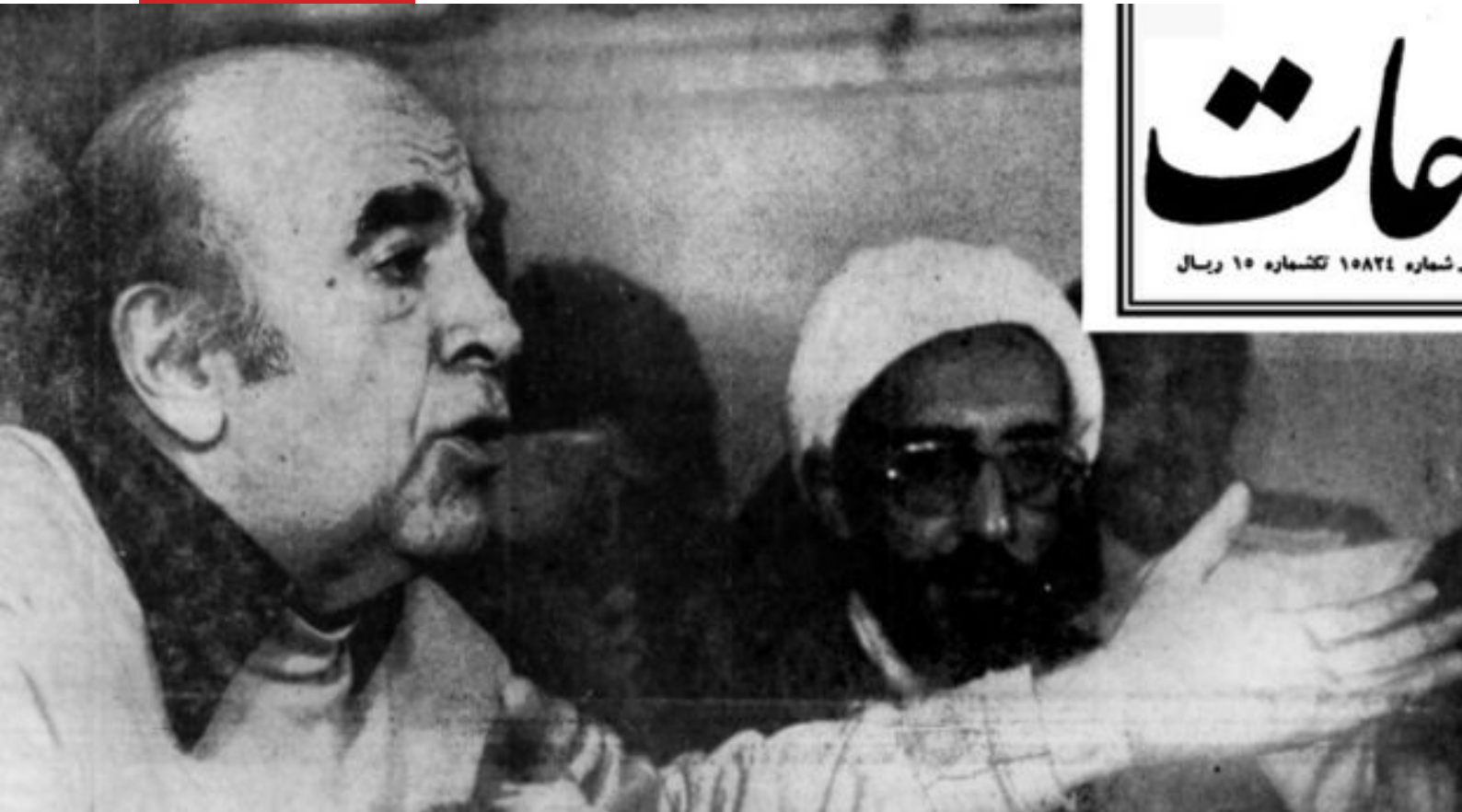
شعله‌سعدی در ادامه به موارد مشابه نظیر دادگاه‌های انقلاب اشاره کرده و گفت: «ما الان مشکلات دیگری هم داریم، مثل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت. این دادگاه اساسا از ابتدا محمل قانونی نداشته و به دستور آقای خمینی تاسیس شده و فعالیت آن همچنان ادامه دارد. در حالی که طبق اصل ۱۵۹

قانون اساسی، تشکیل ارگان‌ها و تعیین حیطه صلاحیت آن‌ها باید به موجب قانون باشد در حالی که دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت از همان ابتدا مشکل محمل قانونی داشته است و هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد».

برخوردهای امنیتی و حتی اعدام برخی از روحانیون در ایران، با تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در خردادماه ۱۳۵۸ به دستور آیت‌الله خمینی آغاز شد. از اعدام‌های روحانیان در آن سال‌ها می‌توان به اعدام حبیب‌الله آشوری از روحانیون مخالف حکومت پهلوی در زندان اوین تهران در سال ۱۳۶۰ اشاره کرد که در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق بازداشت شده بود.

نماینده ادوار دوم و سوم شیراز در مجلس شورای اسلامی در مورد چگونگی انحلال دادگاه انقلاب معتقد است: «مجلس می‌تواند قانونی تصویب کند که آن را منحل کند؛ اما یک مشکل وجود دارد. این‌که شورای نگهبان مصوبات مجلس را کنترل می‌کند و با مقررات قانون اساسی و موازین شرع از جمله نظر رهبر تطبیق می‌دهد. اگر شورای نگهبان تشخیص دهد که مثلا آقای خامنه‌ای با قانونی که مجلس تصویب کرده موافق نیست، این قانون را وتو می‌کند».

این فعال حقوق بشر در مورد دلایل تاسیس دادگاه‌های انقلاب گفت: «این دادگاه‌ها در ابتدا به شکل غیرقانونی تاسیس نشدند، به این دلیل که اقتدار خود انقلاب بود و ثائیا شورای انقلابی که تشکیل شده بود، شان قانون‌گذاری داشت،



لذا مصوبات شورای انقلاب در آن زمان قانونی تلقی می‌شد؛ اما این مشکل نیست. مشکل واقعی این است که در کشوری که انقلاب شده، قرار نیست تا ۴۰ یا ۱۰۰ سال بعد که از انقلاب گذشته، به همان شکل عمل کند».

این حقوق‌دان با اشاره به اصل ۴۹ قانون اساسی گفت: «یکی از اقدامات دادگاه انقلاب که با عنوان اصل ۴۹ قانون اساسی عمل می‌کند، مصادره اموال مردم است که هم‌چنان این روند را ادامه می‌دهد».

در اصل ۴۹ قانون اساسی آمده است: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحبان حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

به گفته شعله سعدی، وقتی می‌بینید مثلا در ایران، سرمایه‌گذاری خارجی صورت نمی‌گیرد به این دلیل است که امنیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد، چرا که هر کسی که در ایران اقدام به سرمایه‌گذاری کند این احتمال وجود دارد که فردای سرمایه‌گذاری، دادگاه انقلاب بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی وارد شود و آن اموال را مصادره کند. لذا می‌بینیم که امنیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد و در نتیجه سرمایه‌گذاری

هم انجام نمی‌شود.

او در ادامه توضیح می‌دهد: «همین امروز که ما داریم با هم صحبت می‌کنیم، دادگاه‌های انقلاب بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی اموال را هم‌چنان مصادره می‌کند. الان ۴۰ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد. تا کی باید این روند ادامه پیدا کند؟ از سوی دیگر داریم می‌بینیم که در همین دوره زمانی، کسانی هستند که اموال غیر مشروع به دست آورده‌اند و کسی هم سراغ آنها نمی‌رود. این همه غارت اموال بیت‌المال و اختلاس‌های چندهزار میلیاردی انجام می‌شود. چرا کسی این اموال را مصادره نمی‌کند؟».

این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، وجود و فعالیت دادگاه‌های انقلاب را در شرایط کنونی جامعه ایران غیرضروری ارزیابی کرده و افزود: «همان طور که می‌دانید من خودم چندین بار نامزد ریاست جمهوری شدم. یکی از برنامه‌های من پس از ریاست جمهوری این بود که لایحه‌ای را به مجلس تقدیم کنم که براساس آن، دادگاه‌های انقلاب را منحل اعلام کند که متاسفانه صلاحیت من تایید نشد و در همان ابتدا جلوی ورود من را گرفتند».

به دلیل شرایط محاکمات ناعادلانه در دادگاه‌های انقلاب اسلامی، در طول سال‌های اخیر بسیاری از فعالان مدنی و سیاسی از جمله نسرين ستوده، خواستار انحلال دادگاه‌های انقلاب شده‌اند.

دادگاه‌های انقلاب؛ ضد موازین حقوق بشر

درحالی که بسیاری از ناظران بر عدم صلاحیت فعالیت دادگاه‌های انقلاب در اجرای احکام عادلانه و منصفانه تاکید می‌کنند محمدرضا فقیهی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری ساکن تهران نظر دیگری دارد و معتقد است فعالیت دادگاه‌های انقلاب غیرقانونی نیست.

این حقوق‌دان ساکن تهران در گفت‌وگو با «حقوق ما» توضیح داد: «دادگاه‌های انقلاب اسلامی در بدو تاسیس، به تاسی از شرایط موجود در آن زمان به موضوعاتی که در صلاحیت‌شان قرار داشت رسیدگی کردند که به این دادگاه‌ها اطلاق محاکم انقلاب داده شد؛ اما در این برهه بسیاری از فعالین حقوقی از جمله خود بنده معتقد هستیم که شاید در واقع آن ضرورت‌های ابتدای انقلاب دیگر وجود نداشته باشد»

فقیهی به تصویب آیین قانون دادرسی کیفری و پیش از آن، تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های انقلاب در امور کیفری و باز پیش از آن، تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که جنبه آیین دادرسی کیفری داشته اشاره کرده و افزود: «در تمامی این قوانین به وجود محاکم انقلاب در ایران اشاره شده و قانون‌گذار صلاحیت‌هایی را برای این دادگاه‌ها تعریف کرده، از جمله رسیدگی به جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور پس شما نمی‌توانید بگویید که دادگاه انقلاب یک دادگاه غیرقانونی است چون در مقررات و قوانین فعلی حاکم بر این کشور به وجود این محاکم اشاره شده؛ اما اگر کسی بگوید آن ضرورت‌های زمان پیروزی انقلاب اسلامی بوده و پس از انقلاب دیگر این ضرورت‌ها وجود ندارد، بله این جای بحث دارد».

امروز نزدیک به چهار دهه از عمر دادگاه‌های انقلاب می‌گذرد، قضات این دادگاه‌ها در طول این سال‌ها با توسل به قوه قهریه و زیر پا گذاشتن تعهدات بین‌المللی تاکنون هزاران حکم اعدام صادر کرده‌اند که درصد زیادی از این احکام در رابطه با جرایم مربوط به مواد مخدر بوده است. در این دادگاه‌ها متهمان هم‌چنان برخلاف تمامی معیارهای دادرسی منصفانه از حق داشتن وکیل مدافع و امکان حق تقاضای تجدیدنظر در رای قاضی محروم هستند.



حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نیز کنوانسیون‌های مهم منطقه‌ای مثل کنوانسیون حقوق بشر اروپا و امریکا اشاره می‌کند.

محمودی در ادامه توضیح داد که در تمامی این کنوانسیون‌ها آیین دادرسی عادلانه و یک سری ضوابط مورد قبول قرار گرفته است از جمله، هر کسی که در جایگاه اتهام به یک جرم بسیار مهم قرار گرفته باشد باید به وکیل دسترسی داشته باشد، وکیل وی باید به موقع مطلع شود و باید به تمامی اسناد علیه فرد متهم شده دسترسی داشته باشد تا بتواند لویح خود را به موقع تحویل بدهد. این مسایل، هیچ کدام در حالت انقلابی دادگاه‌های انقلاب رعایت نشدند. نه تنها در مورد ایران؛ بلکه می‌توان گفت در مواردی استثنایی در برخی از کشورها، مشابه چنین اتفاقی افتاده است البته نمی‌توان تایید کرد یا گفت قابل قبول بوده؛ ولی توجیه آن به دلیل شرایط انقلابی نیز قابل قبول نیست. به همین دلیل می‌توان گفت بسیاری از خواسته‌های موجود در اسناد بین‌الملل حقوق بشر در دادگاه‌های انقلاب رعایت نمی‌شدند.

تحریریه «حقوق ما»: مهر اعدام از نخستین دهه جمهوری اسلامی با اعدام‌های فوری و شتاب‌زده حاکمان شرع در دادگاه‌های انقلاب اسلامی و پس از آن با صدور احکام اعدام سازمان‌یافته هزاران دگراندیش سیاسی در دهه ۱۳۶۰ بر پیشانی جمهوری اسلامی حک شده است. از همین رو، دادگاه‌های انقلاب اسلامی همواره به دلیل صدور احکام اعدام و قضاوت‌های فراقانونی مورد انتقاد سازمان‌های حقوق بشری بوده است. با این توصیف، آیا می‌توان احکام صادر شده از سوی دادگاه‌های انقلاب اسلامی را مطابق با موازین حقوق بشر دانست؟

سعید محمودی، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه استکهلم سوئد در پاسخ به این سوال به «حقوق ما» گفت: «وقتی انقلاب در ایران رخ داد و دادگاه‌های انقلاب اسلامی برپا شدند، اعتراض‌ها به برپایی این دادگاه‌ها نبود. با توجه به شرایط انقلاب این مساله قابل فهم بود و هست که شرایط دادرسی دادگاه‌های انقلاب با دادگاه‌های معمول کشور به طور کلی متفاوت باشد».

او به برگزاری دادگاه‌های انقلاب در ایران از این منظر که چه کسانی قضاوت می‌کردند و نیز حق متهمان برای داشتن وکیل، ارزیابی مدارکی که به دادگاه ارایه می‌شوند و به احکامی که صادر می‌شدند، اشاره و این پرسش را مطرح کرد که آیا تمامی این مسایل مطابق با استانداردهای بین‌المللی بوده‌اند؟

این استاد حقوق بین‌الملل معتقد است که معمولاً استانداردهای بین‌المللی را در مواردی که کشور در حالت عادی است، به کار می‌برند و اگر شرایط استثنایی دادگاه‌های انقلاب را به عنوان یک اصل بپذیریم - که البته این خود مساله قابل بحثی است - می‌توان گفت که دادگاه‌های انقلاب در بدو تاسیس به صورت استثنایی و در شرایط خاص عمل کردند. بنابراین تعزیراتی که در حقوق افراد و متهمین ایجاد شده بود، همه با مساله انقلابی بودن شرایط توجیه می‌شد و البته از دیدگاه حقوق بین‌المللی جهان‌شمول، طبعاً بسیاری از این احکام، نحوه دادرسی‌ها، نحوه احراز صلاحیت افرادی که در امر قضاوت دادگاه‌ها شرکت داشتند، همه جای بحث و گفت‌وگو دارند.

محمودی در ادامه توضیح داد که دادگاه‌های انقلاب اسلامی به سبب شرایط انقلابی و به خاطر صفت انقلابی‌شان با موازین معمول و مورد قبول از دیدگاه اسناد عمده حقوق بشر - که ایران هم به برخی از این کنوانسیون‌ها پیوسته - شرایط لازم را نداشته‌اند. وی معتقد است توجیه برگزارکنندگان دادگاه‌های انقلاب

اسلامی در آن زمان با توجه به شرایط انقلاب فقط توجیه سیاسی بوده است.

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه استکهلم، تناقض احکام صادر شده از سوی دادگاه‌های انقلاب اسلامی با احکام حقوق بشر را مورد تایید قرار داده و افزود: «حقوق بشر، تعریف دارد. منظور از حقوق بشر جهان‌شمول یعنی یک سری موازین و مبانی حقوق بشر داریم که مورد قبول همه کشورها است مثلاً آیین دادرسی یا حق کسی که مورد اتهام است. در شرایط انقلابی این مسایل رعایت نمی‌شدند و از این نظر می‌توان گفت احکام صادر شده از سوی دادگاه‌های انقلاب اسلامی با مبانی حقوق بشر جهان‌شمول تناقض داشته‌اند».

براساس ماده ۱۴ میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب ایران نیز رسیده است: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد از طریق ارتباط با وکیل منتخب خود و با داشتن وقت و تسهیلات کافی، برای تهیه دفاعیه خود و ارتباط با وکیلش، به دفاع از خود بپردازد».

این استاد دانشگاه برای توضیح بیشتر در مورد مبانی حقوق بشر جهان‌شمول به مواردی نظیر اعلامیه جهانی

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: علی مهدی

تماس با مجله: mail@iranhr.net

